

## گفتگو\*

### گفتگویی با استاد ریتزر

جورج ریتزر<sup>۱</sup> جامعه شناس نظریه پرداز معاصر آمریکا است. با اینکه مدارج تحصیلی اش در حوزه تخصصی جامعه‌شناسی نبوده (لیسانس: روان‌شناسی؛ فوق لیسانس: مدیریت اداری؛ دکتری: روابط صنعتی و کار) ولی، علاقه او به این رشته از او فردی مؤثر در شکل دهی به ساختار جدید جامعه‌شناسی ساخته است. او پس از اخذ درجه دکتری و در طول سه دهه کار و تحقیق و تألیف در پی فهم میزان آشتی‌پذیری و تضاد بین چارچوبهای نظری بوده است. این نوع رویکرد او را به حوزه فرانظریه‌ای در جامعه‌شناسی کشانیده و از مؤسسان این حوزه در جامعه‌شناسی نظری شده است. کارهای او در دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ عموماً معطوف به موقعیت نظریه‌ها در ساختار جامعه‌شناسی و روندهای آن - به سوی همگرایی و یا تزاخم - بوده است. او مدعی است که جامعه‌شناسی دهه‌های پایانی قرن بیستم بیشتر به سوی همگرایی سیر نموده است.

ریتزر افزون بر کارهای نظری که معطوف به مطالعه نظریه‌ها در معنی دارتر شدن آنهاست، می‌کوشد در نظریه سازی نیز مشارکت جدیدی داشته باشد. از اینرو او واضح بحث مکدونالدی شدن<sup>۲</sup> به عنوان واقعیت اجتماعی در چارچوب نظری عقلانیت و سپس تفسیر پدیده‌های اجتماعی فرهنگی در چارچوب فرا عقلانیت جدید است. آخرین کارهای او معطوف به گرایشهای جدید جامعه‌شناسی تحت عنوان "جامعه‌شناسی پست مدرن" است.

با این که علاقه‌مندان به جامعه‌شناسی معاصر جهان بانام و کارهای ریتزر خصوصاً نظریه‌های جامعه‌شناختی و بنیانهای جامعه‌شناختی او آشنایی دارند، ولی برای فهم عمیق‌تر و زنده‌تر از تلقی‌های جامعه‌شناسانه او با ایشان گفتگوی کوتاهی به شرح زیر ترتیب داده شده است. هر چند به علت محدودیت صفحات امکان گفتگوی طولانیتری را با این استاد جامعه‌شناسی میسر نشد مع هذا عمده‌ترین سؤاها را مطرح و پاسخیهای مناسبی از ایشان دریافت کرده‌ایم.

\*. مصاحبه‌کننده: دکتر تقی آزاد ارمکی، دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

## سؤالاها

۱. نظریه شما تا چه اندازه بر برنامه ریزیهای علمی یا فرهنگی و اجتماعی استوار بوده و چه قوانینی از آن استنتاج شده است؟
۲. آیا شما خود را نظریه پرداز می دانید یا تلاش شما بیشتر در جهت ترکیب و همسویی نظریه هاست. اگر این طور است به نظر شما آیا این خود یک نظریه پردازی تلقی نمی شود؟
۳. آیا در نظریه پردازی جامعه شناختی معاصر بر روش خاصی تأکید می شود؟
۴. آیا نظریه شما در این قلمرو تا چه اندازه به پیشرفت تکنولوژی و فرهنگ در یک جامعه فرضی کمک می کند؟
۵. آیا نظریه های شما به نوعی به تطور و تحول در طی زمان منتهی می شود؟ چگونه؟
۶. آیا بیشتر به کدام یک از جریانهای عمده جامعه شناسی تعلق دارید و با چه استنتاجی به آن رسیده اید؟
۷. به نظر شما چه عاملی سبب در استقبال جامعه شناسان از نظریه های شما شده است؟
۸. لطفاً کمی درباره زمینه های مؤثر برای ورود به جامعه شناسی و علاقه مند شدن به نظریه های آن صحبت کنید.
۹. به نظر شما وضعیت حوزه جامعه شناسی نظری در اروپا و نیز در آمریکا چگونه است؟ آیا به لحاظ کیفی و کمی در مقایسه با چند دهه گذشته روند نزولی یا صعودی داشته است؟
۱۰. کتاب نظریه های جامعه شناختی شما هم اکنون در ایران با سه ترجمه متفاوت، یکی از کتابهای اصلی نظریه هاست، در این زمینه نظر خاصی ندارید؟
۱۱. چه تفاوت و شباهتهایی بین کتاب نظریه های جامعه شناختی شما با کتابهای دیگر در این زمینه وجود دارد؟
۱۲. آیا خودتان را یک نظریه پرداز یا فرانظریه پرداز می دانید؟ آیا کسی می تواند ضمن این که نظریه پرداز است به کارهای فرانظریه ای نیز پردازد؟

۱۳. از محتوای کارهای اخیر شما از قبیل مکدونالدی شدن جامعه برمی آید که بیشتر از ماکس وبر تا جامعه شناسان دیگر تأثیر پذیرفته اید، آیا این دریافت درستی است؟
۱۴. کدام مخاطب را و با چه سطحی از اطلاعات، مخاطب اصلی کتاب نظریه های جامعه شناختی خود می دانید؟